

با تمامی تفاسیر یاد شده در بالا نباید پی نی کیر را با کیرپریشا یکی دانست اونتنش - گل در ۱۲۵۰ قبل از میلاد در چغازنبیل معبدی را برای الهه‌ی پی نی کیر و معبد دیگری را برای کیرپریشا بر پا ساخت. هم چنین در اثر مفرغی مربوط به دوره‌ی ایلامی که در موزه‌ی لوور نگهداری می‌شود نام هر دو الهه‌ی پی نی کیر و کیرپریشا آمده است و نام معابد هر یک از آنان نیز ذکر شده است.

وجود یک دو «الهه‌ی مادر» دوگانه با پیشرفت تاریخ قابل توصیف است. این مسئله ساختار حکومت فدرال ایلام را منعکس می‌نماید که در آغاز هر یک از ایالات الهه‌ی مادر خاص خود را داشته است؛ پی نی کیر برای شوش و کیرپریشا برای جنوب شرق و پرتی یا پارتی مادر خدای نواحی انشان بوده است. ایلامیان، هم برای خدایان محلی و هم برای خدایان بیگانه پیشکش و هدایایی اختصاص می‌دادند. باید گفت به جز شوش که سه مادر خدا داشته سایر نواحی دو مادر خدا داشته‌اند یک مادر خدای محلی و دیگری مادر خدای بیگانه که مورد احترام بوده است.

یک تحول اساسی که ویژه‌ی خدایان ایلامی بوده آن است که مادر خدایان ایلامی که فرمانروایان اصلی در قلمرو خدایان بوده‌اند جایگاه خود را به خدایان مرد می‌سپارند و کم کم در هزاره دوم قبل از میلاد به موازات آن که مادرسالاری ایلامی جای خود را به ارتقاء قشر مردان می‌دهد، خدایان مرد نیز جایگاه برتر را که تا آن هنگام به الهه‌های ایلامی تعلق داشت اشغال می‌کنند؛ سرانجام مادر خدایان چه پی نی کیر و چه کیرپریشا به برتری یک خدای مذکر کردن می‌نهند که این خدای بزرگ همان هومبان است. هومبان در هزاره‌ی سوم مقام نخستین را در میان خدایان به خود اختصاص می‌داد اما در هزاره‌ی دوم جایگاه اولین خدا تغییر مقام می‌دهد؛ (وی در معاهده‌ی هیت دومین جایگاه را دارد.)

هومبان از ریشه‌ی «هویا» به معنی «فرمان دادن» است؛ هومبان خدای آسمان‌ها و همسر الهه‌ی آسمان‌ها بود که اوایل، پی نی کیر و بعدها کیرپریشا به حساب می‌آمد. هومبان در سراسر ایلام مورد پرستش بوده و عنوان «همسر بزرگ» را به خود اختصاص می‌داده است. حاصل ازدواج هومبان و الهه‌ی آسمان‌ها فرزندی پسر به نام هوتران بوده که در معاهده‌ی هیت مقام پانزدهم را دارد. هومبان در ایلام القاب «نگاهدارنده»، «خدای توانا»، «خدای بزرگ» و نیز خدای خدایان را با خود همراه داشته است. رقیبان او خدایان شهرهای بزرگ بوده‌اند که در هزاره‌ی دوم هنگامی که شوش به شکل پایتخت ایلام درمی‌آید خدای شوش این - شوشیناک نیز مقامش برتری یافته و هم ردیف هومبان قرار می‌گیرد. در معاهده‌ی هیت این - شوشیناک ششمین جایگاه را دارا می‌باشد و حال آن که یک هزاره بعد این - شوشیناک هومبان و کیرپریشا یک تثلیث را با عنوان سران خدایان ایلامی به وجود می‌آورند. در سنگ نوشته‌ها معمولاً اسامی به ترتیب هومبان، کیرپریشا و این - شوشیناک می‌آمده است اما به ندرت ترتیب هومبان، این - شوشیناک و کیرپریشا نیز دیده شده است. در خصوص تقدم این - شوشیناک بر کیرپریشا باید گفت که کیرپریشا مقام «همسر بزرگ» را به خود اختصاص می‌داده و این موضوع بیانگر آن است که کیرپریشا نه تنها همسر هومبان بلکه همسر این - شوشیناک نیز هست و شاید این تثلیث نشانگر روابط میان خانواده‌های شاهی و فرمانروا باشد.

خدانان شاهی در ایلام مشروعیت پادشاهی را از طریق شاخه زن دریافت می‌نمودند؛ برادر پادشاه بعد از مرگ او با بیوه‌ی شاه ازدواج نموده و تاج و تخت را با همراهی این بیوه به ارث می‌برد.

در خصوص نام این - شوشیناک باید گفت که از «نین - شوشیناک» سومری به معنی «خدای شوش» گرفته شده است؛ شاید نام گرفتن خدای ایلامی با یک نام بیگانه به علت نفوذ سومر بر ایلام در گذشته‌ای دور باشد اما تنها این توجیه کافی نیست و هنوز هم می‌توان در این باره به تحقیق پرداخت.

این - شوشیناک در اصل یک خدای محلی شوشی بوده است و در ایالات دیگر ایلام خدایان دیگری با او برابری می‌کنند؛ در هوهنور خدایی با نام «روهوراتیر» با این - شوشیناک برابری می‌نماید و چون معاهده‌ی هیت یک سند مربوط به شوش است در آن نام «روهوراتیر» نیامده است. در شوش فهرست خدایان اغلب با نام خدای خورشید و این - شوشیناک آغاز می‌شود و حال آن که در هوهنور ابتدا نام خدای خورشید و سپس نام «روهوراتیر» می‌آمده است؛ اما جالب توجه آن است که در هوهنور نیز نام این - شوشیناک در اسامی خدایانی که مردم به آنان سوگند می‌خورند بوده است. شاید بهتر است ذکر نماییم که برای تمام مردم ایلام این شوشیناک خدای سوگند بوده است.

این - شوشیناک یکی از خدایان عالم زیرین نیز بوده و احترامی آمیخته با ترس نسبت به وی وجود داشته است؛ ارتباط نزدیکی میان این - شوشیناک و الهه‌ی ایشینکاراب برقرار بوده و این دو در کنار یکدیگر در سراسر ایلام با عنوان خدای میثاق متجلی می‌شوند و در تمامی محاکمات به آنان سوگند می‌خورند.<sup>۷</sup>

ایشینکاراب در زبان اکدی این معنا را دارد که «او دعا‌های ما را نازل کرده است». احتمال دارد که در ابتدا این الهه از طریق تأثیر فرهنگ اکدی به ایلام رفته باشد و هنگامی که در آنجا نفوذ یافت معبدی را به وی اختصاص داده باشند. نقش الهه‌ی ایشینکاراب زمانی بر ما معلوم شد که کشفی غیر معمول بر روی لوحه‌های تدفینی شوش صورت گرفت. این لوحه‌ها مربوط به هزاره‌ی اول قبل از میلاد بوده و با بررسی آنان مشخص شد که ایشینکاراب و لاگامال در جهان زیرین مردگان را پذیرا بوده‌اند. با بررسی کتیبه‌ای بر روی یکی از این لوحه‌ها روشن می‌شود که قضاوت نهایی درباره‌ی مردگان بر عهده‌ی این - شوشیناک بوده و شاید آن احترام توأم با ترس این - شوشیناک به آن علت است که او را فرمانروای عالم مردگان می‌دانستند؛ پس می‌توان گفت که دلیل آن که این - شوشیناک و ایشینکاراب در قسم‌های زندگان به طور مشترک حضور داشته‌اند آن بوده که آنان همکاران جهان زیرین هستند.

در معاهده‌ی هیت مقام چهارم به «خدای بهبودی» تعلق می‌گیرد و مقام پنجم به خدای خورشید نسبت داده می‌شود. خدای خورشید ایلامی «ناهوئته» نامیده می‌شود و این نام واژه‌ای محلی برای خورشید است. «ناهوئته» از «نان - هونده» یعنی «خالق روز» تشکیل شده است. نام ناهوئته در معاهده‌ی شوش درست قبل از نام این شوشیناک می‌آید و در متون حقوقی ایلامی نیز این دو خدا در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و این امر ثابت می‌کند که این - شوشیناک و ناهوئته پیوسته با موضوعات حقوقی ملازمت داشته‌اند. ناهوئته در میان ایلامیان جایگاه «خدای قانون» را دارا بوده است.

در نظر ایلامیان تا زمانی که مردم و حتی پادشاهان در نور زمین حرکت می‌کنند وفاداری آنان متوجه خدای خورشید است اما هنگامی که به قلمرو سایه‌ها فرو می‌روند رعایای این - شوشیناک که قاضی مردگان است به حساب می‌آیند. برای ایلامیان پیوسته در کنار خدای خورشید یک خدای ماه نیز وجود داشته



# باورهای ایلامی

آزاده حیدرپور



حاصلخیزی و برکت را به همراه می آورده و گاهی نیز نشانه‌ای از نیرویی هولناک بوده که ویران کننده و مصیبت آور است. وجود این نقش مایه در زیر پی بناها دلالت بر آن دارد که برای دفع چشم‌زخم و دوری نیروهای شوم موجود در قلمرو عالم زیرین این نقش به کار می‌رفته است.

یکی دیگر از اعتقادات ایلامی‌ها قایل شدن به نوعی تفکر مادرسالاری است؛ در معاهده‌ای که به ۲۲۸۰ سال قبل از میلاد تعلق دارد نام الهه‌ی پی نی کیر پیش از نام تمامی خدایان دیگر می‌آید و معاهده با طلب یاری نمودن از این الهه آغاز می‌شود. معاهده این چنین شروع می‌کند: «گوش فرادار ای الهه‌ی پی نی کیر و شما ای خدایان خوب آسمان‌ها»

در میان خدایان ایلامی والاترین جایگاه به پی نی کیر تعلق می‌گیرد؛ این برتری مقام برای یک الهه به احتمال بسیار بازنمایی است از یک نظام مادرسالاری که در تمام طول تاریخ ایلام به این تمدن ویژگی خاص آن را می‌بخشد؛ حتی هنگامی که بر اثر نفوذ باورها و اعتقادات غربی این برتری به یک خدای مرد تعلق می‌گیرد. اما باز پرستش خدایان زن عمومیت خود را در ایلام از دست نمی‌دهد هرچند که این جایگزینی خدای مرد همیشه به عنوان یکی از ویژگی‌های تحول مذهب ایلام به شمار می‌آید.

پی نی کیر در نظر مردم ایلام لقب «فرمانروای آسمان را داشته است که دارای قدرت نفرین بوده است. این نام گاه به صورت بخشی از اسامی خاص ایلامی یعنی شیلهاک. این - شوشیناک « نامش «اوتو - ا. هی - پی نی کیر» بوده است که معنی «من زهدان او را به پی نی کیر هدیه کرده‌ام» را می‌دهد.<sup>۲</sup>

بین‌النهرینی‌ها در وجود پی نی کیر به نوعی شخصیت ایشترار را جستجو می‌کردند. پی نی کیر در نزد ایلامیان با عنوان «الهه‌ی بزرگ مادر» متجلی می‌شده و همین امر باعث شده تا عدمای از دانشمندان این الهه را همان کیریریشا بدانند. در معاهده هیت نام کیریریشا در اسامی الهه‌ها و خدایان به کار نرفته، شاید به آن دلیل که کیریریشا در حقیقت لقبی برای الهه‌ی پی نی کیر بوده است. از سویی دیگر کیریریشا الهه‌ای بوده که در قسمت جنوب شرقی ایلام مورد ستایش قرار می‌گرفته و محل اصلی وی در لیان (بوشهر)، در خلیج فارس قرار داشته و به تدریج کیریریشا در شمال شرق نیز نفوذ نموده و در شوش نیز نفوذ او گسترش یافته و لقب پر غرور «مادر خدایان» و «بانوی معبد برتر که از همه مراقبت می‌کند» را به خود اختصاص داده است.<sup>۳</sup>

اگر چه اسناد و مدارک به دست آمده در خصوص مذهب ایلام بسیار ناچیز است، اما همین مدارک اندک که شامل شواهدی از بناهای تاریخی، نقوش برجسته، پیکره‌ها، مهرها و آثار مهرها... می‌باشد ثابت می‌کنند که دین و اعتقادات مذهبی نقش به‌سزایی را در زندگی پادشاهان و مردمان ایلام داشته است؛ هرچند براساس آثار باستان‌شناسی به دست آمده می‌توان نقاط اشتراکی را میان مذهب ایلام و بین‌النهرین مشاهده نمود اما از سویی دیگر می‌توان به ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد مذهب ایلام پی برد. از جمله‌ی این تمایزات و ویژگی‌ها عبارتند از: احترام و اهمیت وافر به جنس زن و تا حدودی اعتقاد به مادر سالاری، پرستش مار، اعتقاد به سحر و جادو و تأثیر نیروهای مافوق طبیعی و نیز قایل شدن به وجود زندگی پس از مرگ که از این پس اندکی به شرح این اعتقادات خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین نقش مایه‌های هنر و تمدن ایلام مار است. می‌توان گفت که نقش مار در سفال‌ها، سربوش ظروف مهرها و تعدادی از نقوش برجسته‌ها به وفور به چشم می‌آید و شاید مار نمادی است برای حفاظت و حراست در برابر نیروی شیطانی و دیوها. هم چنین باید گفت که این نقش مایه نمادی است از خدایی که به دوران باستان ایلام تعلق دارد و جهان زیرین قلمرو و فرمانروایی اوست.

با وجود آن که نقش مار در هنر بین‌النهرین نیز رایج بوده است و شاید نقش مایه مار در ایلام متأثر از همسایه غربی آنان (بین‌النهرین) بوده باشد اما اهمیت مار در هنر و دین ایلام بسیار با اهمیت‌تر می‌باشد تا آنجا که هنرمندان ایلامی گاه نوعی مار با سر و بالاتنه‌ی انسان ترسیم می‌نمودند که خاص هنر ایلام بوده است و در واقع نشان می‌دهد که هنرمندان ایلامی تمایل داشتند که آن خدا را به صورت انسان تصویر نمایند تا یک حیوان. در این نقش‌ها گاه سر و شانه‌های انسانی به کار رفته و پایین تنه به شکل مار دیده می‌شود.

در تصاویر و نقوش برجسته‌های برجای مانده از ایلام گاه مار را به صورت پیچیده و چمبره زده بر تختگاه پادشاهان می‌توان دید و گاهی نیز دسته‌ی عصا، چوگان و اشیاء سلطنتی به شکل مار هویدا می‌شوند. نماد باروری ایلامی نیز به شکل دو مار است که در حال جفت‌گیری تصویر شده‌اند.<sup>۲</sup>

شاید بتوان گفت که مارهایی که با سر انسان در نقوش ظاهر شده‌اند دلالت بر جنبه‌ی الوهیت این جانور دارد؛ خدایی که پرستش آن به مرور زمان منسوخ شده و چهره‌ای مرموز داشته است. و گاهی نمادی از نیروی‌های سودبخش بوده و



حرکت نوازنده‌ای در جلوی مجسمه‌ی این خدا بود.

باید گفت که کاهنان کسانی بودند که وظیفه‌ی آنان برگزاری مراسم مذهبی ایلامی‌ها بوده است. با مطالعه‌ی مهرها و یافته‌هایی که در حفريات شوش به دست آمده است می‌توان پی برد که در هنگام برگزاری آیین‌های مذهبی این کاهن‌ها برهنه بوده‌اند. یک اثر حکاکی شده بر روی قیر طبیعی که در حفريات شوش به دست آمده است کاهنان برهنه را همراه با یک بره‌ی قربانی شده نشان می‌دهد که گرداگرد سر او یک جفت مار حلقه زده‌اند. همچنین کنترل املاک وسیع معابد و نیز هدایا و نذوراتی که، هم پادشاه و هم مردم عادی به عنوان پیشکش به معابد تقدیم می‌کردند بر عهده کاهنان بوده است. منابع ما همچنین از «کاهنان غیب گو» نیز سخن گفته‌اند که با بررسی خون، جگر و سایر اعضای قربانی و نیز با استفاده از حالت خلسه، تقدیر و آینده پادشاهان را پیشگویی می‌نمودند. در پایتخت کاهنان بسیاری حضور داشته‌اند که در رأس آنان کاهن اعظم قرار می‌گرفته که دربار پادشاهان نفوذ عظیمی را داشته است و در اغلب جنگ‌ها فرمانروا را همراهی می‌نموده است.

در مذهب ایلام علاوه بر کاهنان مرد راهبه‌هایی نیز به عنوان خدمتگذار خدایان حضور داشته‌اند که در امور اقتصادی نیز فعالیت می‌نموده‌اند. با استفاده از رسیدهای بابلی اولیه می‌توان پی برد که آنان خدمتگزاران پی نی کیر و کبریریشا بوده‌اند. یک مدال برنزی به دست آمده از دوران ایلامی که مربوط به قرن ۱۲ قبل از میلاد می‌باشد و به وسیله‌ی شیلهاک - این - شوشیناک تقدیم شده است تمامی ویژگی‌های عبادت ایلامی را به وضوح نشان می‌دهد. نوشته‌ی اکدی روی مدال معنی «طلوع خورشید» را دارد و به احتمال زیاد این صحنه هر بامداد تکرار می‌شده است. این مدال نمایانگر «حریم مقدس» یا سیانوک شوش است که در هر طرف زیگورات‌ها برافراشته هستند و یک باغ مقدس در جلوی زیگورات کوچکتر دیده می‌شود. در جلوی دو تا از پله‌ها، سکوی قربانی هویداست و در میان صحنه دو مرد برهنه در حالتی نیم‌نشسته به چشم می‌خورند که یکی بر روی دست دیگری در حال آب ریختن است. به احتمال زیاد این دو کاهنانی هستند که اجرای مراسم را برعهده دارند.

با نگاهی به تقویم ایلامی نیز می‌توان به تأثیر و نقش عمیق مذهب و اعتقادات مذهبی در زندگی مادی مردم ایلام پی برد. تا اواسط هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، نوامبر ماه خیش زدن و ترتیب دادن به مزارع خدایان، و دسامبر ماه بذر افشانی و رسیدگی به مزارع عادی مردمان بود؛ همچنین ایلامی‌ها ابتدا مزارع معابد را درو می‌کردند و سپس اجازه می‌یافتند تا مزارع دیگر را درو نمایند.

در اینجا باید کمی نیز به اعتقاد ایلامیان نسبت به زندگی پس از مرگ بپردازیم. باید گفت که شواهد و بقایای بازممانده از گورهای ایلامی نشان می‌دهد که آنان به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشته‌اند. در گورهای ایلامی همیشه یک ظرف یا کوزه سفالی به عنوان هدیه قرار می‌گرفته است به هنگامی که یک ایلامی درمی‌گذشت اگر فردی فقیر و بی‌چیز بود او را بدون کفن در زیر کف خانه‌اش دفن می‌کردند اما به هر اندازه هم که فقیر بوده باشد باز یک ظرف گلی پیش پای او دفن می‌شده است. ثروتمندان نیز که در تابوت‌های گلی و یا در قبرهای زیبایی که از آجر ساخته شده بود دفن می‌شدند این ظروف سفالی را همراه داشته‌اند. درعین حال کانال‌هایی وجود داشته است که به وسیله آنها آب به درون گورهای ایلامی راه می‌یافت چرا که

آنان اعتقاد داشتند که آب هم به مانند غذا برای زندگی پس از مرگ ضرورت داشته است. آشور بانپیل در کتیبه‌های خود اعلام می‌دارد که قبرهای شاهان ایلامی را تخریب نموده و با برداشتن هدایای مدفون شده در گور و ظروف آب و مشروبات آنان را از آرامش ابدی محروم ساخته است. کاوش‌های باستان‌شناسی نیز این موضوع را تأیید می‌کند و ثابت می‌نمایند که دفن نمودن آب و غذا و هدایایی برای زندگی بعد از مرگ در ایلام قبل از فتح آشور بانپیل معمول بوده است. آنان اعتقاد داشتند که گذاشتن این لوازم در گور برای شخص مرده شگون داشته و روح او را از عذاب ابدی رهایی می‌داده است. به نظر می‌آید که ایلامیان اعتقاد داشته‌اند که اگر گور کاملاً آراسته و مهیا باشد تفاوتی اساسی در سرنوشت شخص درگذشته به وجود خواهد آمد. بر روی یکی از لوحه‌های تدفین ایلامی نوشته شده است که «ظروف لازم برای قبر او تهیه شده و سنگ‌های لازم برای سروپوش او به دست آمده، بنابراین او می‌تواند شادمان باشد.» ایلامیان اعتقاد داشتند که این - شوشیناک قضاوت نهایی را برای روح شخص

در گذشته، به جا می‌آورد.

در اینجا جا دارد که یادآور شویم که نقش مایه موجودات تخیلی و نیمه خدایی در ایلام و بین‌النهرین بسیار رایج بوده است. در دوران‌های اولیه‌ی تمدن ایلام این موجودات فوق طبیعی ترکیب غریبی بودند از نیمه‌ی انسان و نیمه‌ی نبات، یا نیمه‌انسان و نیمه مار، نیمه‌ی انسان و نیمه‌ی بز...؛ هر چند که این ترکیبات در بین‌النهرین نیز وجود داشته است اما باید گفت که ایلامی‌ها از نیروی تخیل قویتری برخوردار بوده‌اند، در هنر مهرسازی شوش با نقش مایه‌ای که ما او را با نام گیلگمش می‌شناسیم برخورد می‌نماییم که یک پهلوان برهنه را نمایان می‌کند. این نقش مایه نیز با نفوذ فرهنگ بابلی در ایلام رواج پیدا می‌کند و ما او را در سنگ یادمان اونتاش گل به صورت نقش گاو - مرد می‌بینیم.

در پایان سخن باید یادآور شد که دانش ما در خصوص مذهب ایلام بسیار اندک بوده و هنوز بسیاری از زوایای این بحث ناشناخته و قابل پژوهش برجای مانده است.

#### پانویس‌ها:

- ۱- نیز نگاه کنید به مجیدزاده یوسف ۱۳۷۰.
- ۲- نیز نگاه کنید به آمیه پیر، ۱۳۴۹.
- ۳- نیز نگاه کنید به هیئتس والتر، ۱۳۷۱.
- ۴- نیز نگاه کنید به مجیدزاده یوسف ۱۳۷۰.
- ۵- نیز نگاه کنید به بهار، مهرداد، ۱۳۷۷.
- ۶- نیز نگاه کنید به کامرون، جورج، چاپ سوم ۱۳۷۴، چاپ اول ۱۳۶۵.
- ۷- نیز نگاه کنید به هیئتس والتر، ۱۳۷۱.
- ۸- نیز نگاه کنید به مجیدزاده یوسف ۱۳۷۰.
- ۹- نیز نگاه کنید به مجیدزاده یوسف ۱۳۷۰.
- ۱۰- نیز نگاه کنید به آمیه پیر، ۱۳۴۹.

#### منابع و مأخذ:

۱. آمیه پیر. تاریخ عیلام، ترجمه‌ی شیرین بیانی، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۲. افشار سیستانی، ایرج. ایلام و تمدن دیرینه‌ی آن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۳. بهار، مهرداد. از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، ۱۳۷۷.
۴. درخشنده، سید محمد. ایلام «عروس زاگرس»، نشر مؤلف، ۱۳۷۳.
۵. راد، ناصر. تاریخ سرزمین ایلام، انتشارات ارغنون، ۱۳۷۴.
۶. زنده دل، حسن و دستیاران. مجموعه‌ی جامع ایرانگردی استان ایلام، نشر ایرانگردان، ۱۳۷۹.
۷. کامرون، جورج. ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه‌ی حسن انوشه، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۸. گیرشمن، ر. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
۹. مشکور، محمد جواد. ایران در عهد باستان (در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام)، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۷.
۱۰. مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن ایلام. مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۱۱. هیئتس، والتر. دنیای گمشده‌ی عیلام، ترجمه‌ی فیروز فیروززیه، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.



قربانی نمودن، جزئی از مراسم روزانه‌ی معابد ایلامی بوده است. از مراسم قربانی در ایلام باستان می‌توان به ذکر دو نمونه پرداخت: یکی از آنان قربانی نمودن در جشنواره‌ی الهه‌ای که لقب «بانوی ارگ» را داشته که همان پی نی کبر یا کبیریشا بوده است و به هنگام ماه نو در آغاز پاییز صورت می‌گرفت و روز اجرای این آیین را «روز جاری شدن قربانی» می‌نامیدند و دیگری مراسمی که خاص خدای شیموت بوده و در بیست و پنجم آذر برابر بیست و پنجم اردیبهشت گاوی را برای خدای شیموت سر می‌بریدند این جشنواره «توگا» نام داشته است.

باید گفت که از دوران اولیه‌ی ایلام متأسفانه هیچ معبدی برجای نمانده و تنها به وسیله‌ی نقوش مهرها و تصاویر برجای مانده از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد می‌توان به شکل ظاهری این بنا پی برد. در ایلام قدیم معابد نسبتاً مرتفع بوده‌اند و شکل ظاهری آنان چهار گوش بوده است (مربع مستطیل) و بر روی یک پایه‌ی ایوان مانند قرار می‌گرفتند. این معابد دارای آجرکاری بوده‌اند و در قسمت جلو روزنه‌دار و در جلوی معبد دو چهار چوب بلند در دیده می‌شود که احتمالاً در سمت راست تنها جنبه‌ی تزیینی دارد و در سمت چپ برای ورود به معبد بوده و به وسیله‌ی پرده‌ای حصیری تا نیمه پوشیده شده است.<sup>۱۰</sup>

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های معابد ایلامی وجود سه شاخ بزرگ در طرفین دیوارهای آن می‌باشد؛ با استفاده از کتیبه‌های ایلامی می‌توان پی‌برد که ایلامیان این شاخ‌ها را نماد الوهیت می‌دانسته‌اند؛ پادشاه ایلامی شیلهاک - این - شوشیناک از تعمیر و دوباره سازی بیست معبد شافی در ۱۲۰۰ ق. م. به خود بالیده است و همچنین آشور بانپیل فاتح آشوری شوش در کتیبه‌های خود از فرمان پایین کشیدن «شاخ‌های برنزی ریخته‌ی گری شده» از زیگورات شوش به خود مفتخر بوده است. (۶۳۹ ق م)

اطلاعات ما در خصوص تزیینات درونی معابد بسیار ناچیز است و تنها به وسیله‌ی یافته‌های حاوی مطالب مذهبی می‌توان پی‌برد که درون معابد نه تنها مجسمه‌هایی از خدایان و ارواح محافظ وجود داشته بلکه پیکره‌ی پادشاهان و افراد خاندان وی نیز حضور داشته‌اند که باید این مجسمه‌ها و پیکره‌ها از آهن، سنگ و گل پخته و مرمر بوده باشند و درون تاقچه‌ها و درگاهی‌ها قرار می‌گرفتند و یا از دیوارها آویزان می‌شدند.

معابد همچنین دارای محراب‌ها و منیخ‌هایی بودند که هنوز هم روی بسیاری از آنان مجاری تعبیه شده برای جاری شدن خون قربانی و یا مشروبات نذر شده نمایان است.

یکی از ویژگی‌های دیگر معابد که از اهمیت خاصی نیز برخوردار بوده «باغ‌های مقدس» معابد است. در برخی از کتیبه‌های معابد از باغ‌های مقدس نام برده شده است و به عنوان مثال در کتیبه‌ی معبد خدای خورشید «ناهوئته» از این باغ‌ها سخن رفته است. آشور بانپیل نیز به خود بالیده است که سربازان وی توانسته‌اند به باغ‌های مقدس ایلامی نفوذ نمایند و آنها را در آتش بسوزانند.

عبادات ایلامی‌ها معمولاً همراه با موسیقی بوده است. روی یکی از مهرهای به دست آمده که مربوط به حمل مجسمه‌ی یک خدای ایلامی است می‌توان شاهد

است، که نام وی همیشه به صورت رمزی به کار رفته است. در معاهده‌ی هیت نیز در ستون اول نام تعدادی از خدایان شکسته شده و از میان رفته است نام خدای ماه نیز از زمره‌ی آن اسامی می‌باشد. به احتمال قریب به یقین باید نام این خدا «نایپر» بوده باشد چراکه لقبش «سیپاکیر» بوده که معنی «روشنی بخش» یا «درخشنده» را دارد؛ ایلامیان خدای ماه را «پدر یتیمان» می‌دانستند؛ در معاهده‌ی هیت در دو مورد خدای ماه با سه الهه همراه می‌شود که باید گروه شهود هنگام سوگند یاد کردن باشند؛ این سه الهه عبارتند از شیاشوم، نروندی و نیارزینا؛ این سه الهه باید خواهران «الهه‌ی بزرگ» بوده باشند؛ در دوران ایلام جدید به شیاشوم لقب «نگهبان کاخ خدایان» را می‌دادند.

در ایلام باستان الهه‌ی نروندی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ کوتیک؛ این - شوشیناک جانشین هیت معبدی را با پیکره‌ها و کتیبه‌ها به این الهه اختصاص می‌دهد و بر سطح پیکره‌های آهکی از این الهه با این جملات از او یاری می‌خواهد:

«گوش فرا دار (به عبادات من) و حقوق مرا محفوظ بنما» به کار رفتن کلمه‌ی نروندی به عنوان بخشی از اسامی خاص خود نمایانگر علاقه‌ی خاصی است که ایلامیان به این الهه داشته‌اند به عنوان نمونه در اسم خاص «نروندی - اومی» به معنی «نروندی برای من یک مادر است»<sup>۱۱</sup>.

باید گفت در میان خدایان ایلامی بعد از این - شوشیناک هفتمین جایگاه به «شیموت» یا سیموت تعلق می‌گیرد؛ وی در سراسر ایلام مورد احترام بوده است؛ همسر خدای «شیموت» الهه‌ی منزیت (منزت) بوده که هجدهمین جایگاه در معاهده را دارد اما اهمیت وی در حد احترام و اهمیت همسرش شیموت می‌باشد.

یکی دیگر از خدایان ایلامی «شازی» نام دارد که خدای رودهاست و در محاکمات با عنوان قاضی آزمون‌های سخت به او توسل می‌جستند.

جا دارد که در اینجا اندکی نیز به مراسم پرستش و آیین‌های مذهبی ایلامی‌ها بپردازیم. باید گفت که هر چند حرکت گروه‌های مذهبی همراه با حمل نمودن مجسمه‌ی خدایان در سراسر بین النهرین متداول بوده اما این امر شکل و ریشه‌ای ایلامی داشته است. افراد شرکت‌کننده در مراسم آیینی به وسیله‌ی سران مذهبی و یا افراد خانواده شاهی برای زیارت یک مکان مقدس و یا یک معبد راهنمایی می‌شدند و در آنجا هدایا و نذوراتی را به خدایان پیشکش می‌نمودند. این معابد و مکان‌های مقدس اغلب بر روی قله‌ی کوه‌ها و یا مکان‌های مرتفع قرار می‌گرفت. از جمله‌ی معابدی که در حرکت‌های مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته معبدی است که در کورانگان بر قله‌ی کوهی میان باشت و نورآباد قرار داشته است. (در واقع در میانه‌ی انشان) این معبد توسط هرتسفلد کشف شد. در تصاویر مربوط به این معبد حدود ۴۰ مومن نشان داده می‌شوند که در طول قرن‌ها تعدادی نیز شکسته و از میان رفته است. مومنان از پله‌ها به طرف سکوی باری در حرکت هستند که رهبران مذهبی بر روی این سکوها می‌ایستادند و مراسم قربانی را به جای می‌آوردند. در قسمت دیگر سکو تصویر دو خدا با شاخ‌هایی بر تاج‌های آنان دیده می‌شود، یکی از این خدایان مذکر است با ریش بلند و در کنار تخت او تصویر یک مار چمبر زده دیده می‌شود. خدا که به احتمال زیاد همان هومبان است سر مار را با دست چپ خود گرفته است و در کنار او یک الهه که باید کبیریشا یا پارتی باشد نشسته است؛ در طرفین راست و چپ او دو شخص پیچیده در قبا که احتمالاً باید شاه و برادر او باشند دیده می‌شود؛ گروه مومنان که در حال پایین آمدن از پلکان هستند همه موهای بافته دارند؛ به نظر می‌آید ایلامی‌ها علاقه‌ی وافری به گیسوی بلند داشته‌اند. به اعتقاد ال. واندن برگ نقش برجسته‌ی کورانگان به قرن هشتم قبل از میلاد تعلق دارد.<sup>۱۲</sup>

باید گفت که در آثار و نقوش برجای مانده از مراسم مذهبی ایلامی مومنان دو حالت «خطاب» و «سکوت» را به جای می‌آورده‌اند. در حالت خطاب دست‌های آنان برای طلب دعا و نیایش به سوی خدا دراز می‌شود و اگر مومنی هدیه‌ای به همراه دارد تنها دست راست خود را دراز می‌کند و در حالت سکوت دست‌ها در ناحیه‌ی میان بدن و بر کمربندهایشان بر روی یکدیگر قرار می‌گیرد و آرامش آنان بارز و هویداست.